

تبیین جامعه‌شناختی مواضع سیاسی تربیت دانش‌آموز به‌مثابه شهروند مطلوب در اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران

(مطالعه موردی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله)

■ سید محمود نجاتی حسینی***

■ سید ضیاء هاشمی**

■ ناصر کمالپور خوب*

چکیده:

شهروند مطلوب برای نظام‌های رسمی به‌عنوان عنصری خلاق و پایبند شناخته می‌شود که برای تحت‌انقیاد در آوردن او از شیوه‌های متنوعی استفاده می‌شود. نظام تربیت رسمی جمهوری اسلامی نیز با تدوین «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «سند چشم‌انداز ۲۰ ساله» می‌کوشد شهروند مطلوب خود را آموزش دهد. این مقاله ضمن شناسایی بنیان‌های آماده‌سازی شهروندی و ویژگی‌های شهروند مطلوب، تلاش دارد موضع شفاف نظام رسمی تعلیم و تربیت در ایران را از طریق این اسناد نسبت به تربیت شهروند - دانش‌آموز مشخص سازد. در بعد روش، این مقاله از نوع اسنادی است که محتوای اسناد موردنظر را به روش تحلیل محتوای کیفی مورد واکاوی قرار داده و نمونه‌ها به‌صورت نمونه‌گیری نظری و هدفمند به شیوه فیش‌برداری انتخاب شد.

نتایج تحلیل اسناد در دو بعد تناسب و تفاوت در نگرش نظام رسمی به مقوله تربیت شهروندی دانش‌آموزان خود را نشان داد. در بعد تناسب، هر دو سند رسیدن به قرب الهی را هدف غایی تربیت می‌دانند. مؤلفه شهروند دین‌دار در حوزه دینی (با شاخص‌های اعتقادی و عبادی) و حوزه شناختی (با شاخص‌های ارزشی، اخلاقی، علمی و فرهنگی) در هر دو سند این سنخیت را تأیید می‌کند. در بعد تفاوت، مؤلفه شهروند اجتماعی (با شاخص‌های منفعت اجتماعی، مشارکت اجتماعی - سیاسی، نقش آفرینی مجزای اجتماعی و نقطه عزیمت تحول) مسیر متفاوتی را برای رسیدن به هدف غایی معرفی می‌کند. بر اساس این نتایج، سند تحول دستیابی به ایده‌آل‌های شهروند مطلوب را در اولویت دادن به اراده فردی می‌بیند، در حالی که سند چشم‌انداز، ضمن در نظر گرفتن این تفاوت‌ها، نقطه آغاز تربیت شهروندی را ایجاد ساختار مناسب و قرار گرفتن افراد در آن‌ها برای فراگیری الگوهای رسمی نظام حاکم در نظر می‌گیرد.

کلید واژه‌ها:

شهروند مطلوب، شهروند - دانش‌آموز، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله

□ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱/۲۸

□ تاریخ شروع بررسی: ۹۸/۹/۱۳

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۸/۲۵

*گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. kamalpourn76@gmail.com
**گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). zhashemi@tu.ac.ir
***گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. nejati.hosseini@gmail.com

مقدمه

شهروند، به‌عنوان یکی از انتزاعی‌ترین مفاهیم اجتماعی، عامل پیوند ساختارهای اجتماعی، و عاملیت انسانی، ایفای نقش می‌کند. با پدید آمدن شکل نوین دولت‌ها و واقعی‌تر شدن مرزهای جغرافیایی، جایگاه شهروندی و کنشگرانی که مفهوم شهروند به آن‌ها اطلاق می‌شود، تفاوتی بنیادین در بعد مفهومی و ابعاد حقوق، تکالیف و وظایف به خود گرفت. شهروند در زبان یونانی معادل واژه «*polis*»، در زبان انگلیسی معادل واژه «*citizen*» و در فارسی شخصی است که اهل یک شهر یا یک کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد (پورطهماسبی و تاجور، ۱۳۹۰).

مارشال^۱ شهروندی را وضعیتی می‌داند که از عضویت فرد در اجتماع حاصل می‌شود و کسانی که در این وضعیت هستند، تکالیف یکسان و برابر دارند (سبحانی نژاد و منافی، ۱۳۹۰، ص. ۲۸۸). فرد زمانی شهروند مطلوبی به حساب می‌آید که بتواند از حداقل صلاحیت پذیرش نقش‌های مجزا و متناسب با جامعه برخوردار باشد و به درجه‌ای از خودبستگی رسیده باشد. در این معنا، شناخت و بررسی ابعاد شهروندی و شهروند مکلف نیازمند بررسی ابعاد ساختی جامعه، مبانی تربیت شهروندی و به‌طور کلی، آماده‌سازی شهروند مطلوب است که در سه شکل «شهروند سلبی»، «امکان شهروندی» و «شهروند ایجابی» قابل بررسی است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳). دستیابی به چنین شناخت جامعی نیازمند آشکارسازی رویکرد رسمی اسناد مرتبط، دستورالعمل‌ها و به‌طور کلی سیاست رسمی حاکم بر جامعه در زمینه تربیت رسمی شهروند است.

تربیت شهروندی به‌عنوان نخستین حوزه ایفای نقش حاکمیت و دولت، به فرایندی اشاره دارد که شهروندان فعال، آگاه و مسئول در زندگی و امور مربوط به قلمرو خود را ایجاد کند و پرورش دهد. همچنین، برای گسترش برابری اجتماعی تلاش کند و افراد را به تأمل و مشارکت در جریان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ترغیب کند. این مطالعه تربیت شهروندی را با رویکرد مواضع سیاسی نظام رسمی جمهوری اسلامی و با تحلیل اسناد رسمی تربیت، مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، مورد تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی قرار می‌دهد. از این رو در صدد پاسخ‌گویی و بررسی ابعاد این سؤال اصلی است که: «نظام رسمی جمهوری اسلامی ایران در تربیت شهروند مطلوب خود چه رویکرد سیاسی‌ای را دنبال می‌کند و این شهروند چه ویژگی‌هایی دارد؟»

طبق این اسناد، در ایران شهروند مطلوب تابعی است از نگرش حاکمیت مرکزی و اینکه در چه دوره‌ای چه مبانی را طرح‌ریزی کند. قلمرو رسمی سیاست با تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی در تربیت، حمایت و صیانت از هویت، مالکیت و جایگاه شهروندان را با محور اسلامی بودن طراحی

کرد. سپس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، و در نهایت سند تخصصی تحول بنیادین آموزش و پرورش تدوین شد که برای بازشناسی و شناخت ایده‌آل‌های شهروند مطلوب، در پیکربندی مفهومی و شهروندسازی مطلوب موردانتظار نظام رسمی نقش زیادی دارد این سند با توجه به عمومی و همگانی بودن آموزش در ایران تلاش می‌کند، اصول و چشم‌اندازهای مطلوب خود را برای جامعه‌پذیرکردن شهروندان و ساختن سوزه‌هایی متناسب با مطلوبیت نظام حاکم که به‌نوعی بازگوکننده نگرش‌های سیاست نظام رسمی است، طراحی کند. این راهبرد در بطن خود دانش‌آموزان را به‌عنوان نیروهایی سیاسی-اجتماعی معرفی می‌کند که قادرند، متناسب با سیاست دینی-اجتماعی مسلط نقش‌آفرینی کنند. به این منظور، سند در دو بخش اجرایی و مبانی نظری، با مشخص کردن هدف‌های غایی و مطلوب تربیت، پیاده‌سازی شد. در اسناد، دانش‌آموزان به‌عنوان پدیده‌هایی اجتماعی، در طیفی از واقعیت موجود تا حرکت به سمت وضع مطلوب سطح‌بندی می‌شوند که در این جستار با عنوان نگرش سیستمی و از بالا به پایین نظام رسمی بر این فرایند، تبیین می‌شود.

در شرایط فعلی به نظر می‌رسد جهت‌گیری تربیت سیاسی موجود نظام تربیت رسمی با رویکردی محافظه‌کارانه در مؤلفه‌های فرهنگ‌پذیری، انتقال فرهنگی و انطباق اجتماعی به آموزش می‌پردازد (احمدی، عصاره و امینی زرین، ۱۳۹۷). این رویکرد محافظه‌کارانه می‌تواند نوآوری و خلاقیت کنشگران تربیتی-آموزشی را تحت تأثیر قرار دهد.

همچنین، مجل‌چوبقلو در پژوهش خود نشان داد که برنامه درسی موجود و اجرا شده در مدرسه‌های ابتدایی مطلوب نبوده است و قادر نیست رفتار شهروندی مطلوب را در دانش‌آموزان دوره ابتدایی شکل دهد (مجل‌چوبقلو، ۱۳۸۷).

در بررسی واقعیت‌های موجود برای سنجش تربیت شهروند با نگرش‌های سیاست رسمی، پژوهش طباطبایی با تحلیل محتوای کتاب‌های درسی در پنج مقوله آگاهی، خودشناسی، استقلال، آزادی و عدالت عنوان می‌کند که مقوله‌های تربیت شهروندی سیاسی ارزش‌گذاری یکسانی نشده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۷).

مهم‌ترین هدف اسناد رسمی تربیت و به‌خصوص دو سند موردبحث، «ترسیم فرایند مناسب و مشخص کردن کمال مطلوب تربیت شهروندی و متریان چندبعدی» است. در این زمینه وظایف تصمیم‌سازان و مجریان، بسط و هماهنگی و متعادل کردن ظرفیت‌های وجودی افراد، تعالی تجربه‌های متراکم جامعه در تحقق حیات طیبه، و به‌تبع آن رسیدن به قرب الهی معرفی می‌شود (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص. ۹۲). اما به نظر می‌رسد میان شرایط موجود و حد مطلوب در بخشی از حوزه‌ها، مانند تربیت سیاسی و اجتماعی که به‌عنوان یکی از ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آمده است، فاصله وجود دارد. واکاوی معنایی درون‌متنی اسناد مورد مطالعه برای تبیین این فاصله،

با تحلیل رویکرد سلبی و ایجابی نظام رسمی جمهوری اسلامی در تربیت شهروندی، می‌تواند به هدایت بحث برای رسیدن به پاسخ سؤال اصلی مطالعه کمک کند. سلبی و ایجابی یعنی اینکه نظام رسمی اجازه شکل‌گیری و تربیت چه نوع شهروندی را نمی‌دهد تلاش دارد چه نوع شهروندی را پدید آورد. و چه شرایط ایجابی مناسب با نیازها و مقتضیات زمان و مکان برای شهروندسازی فراهم می‌کند.

بر اساس اهداف آرمانی آموزش و جایگاه شهروند سیاسی-اجتماعی در نگرش دولت‌های جمهوری اسلامی، شکل خاصی از آماده‌سازی از راه‌های آموزش، تربیت و یادگیری به دو شیوه سیستماتیک و مدنی محقق می‌شود و به شکل‌گیری نوع خاصی از شهروند می‌انجامد که می‌توان آن را با عنوان «شهروند دینی» مفهوم‌سازی کرد. نظام رسمی با تشکیل نهادهای عمومی رسمی و نیمه‌رسمی مانند اماکن دینی، فرهنگی و مؤسسه‌های آموزشی-مذهبی تلاش می‌کند شیوه‌های یادگیری و آموزش را برای افزایش کیفیت زندگی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی-دینی و در نتیجه کاهش هزینه کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری مدیریت کند.

در همین راستا، مهم‌ترین وظیفه و هدف دولت را تحقق حیات طیبه و جهت‌گیری تربیتی تمامی دستگاه‌ها به سمت اصل پنجم قانون اساسی که پذیرش اصل ولایت‌فقیه است، معرفی می‌کند (همان). این آموزش‌ها در صورتی که به درستی صورت گیرند و بتوانند شهروندی فعال، تأثیرگذار و کنشگری خلاق، آگاه، با دانش، عمل‌گرا و مسئول تربیت کنند و فضا را برای رشد چنین کنشگرانی فراهم سازند، تمایل و ظرفیت فراگیری کنشگران مزبور به تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و گسترش همبستگی اجتماعی جامعه در سطح محلی و ملی منجر می‌شود. اسناد ذکر شده توسط نهادهای مسئول رسمی با چنین رویکردی تدوین شده‌اند. نگارنده نیز در این مطالعه به دنبال تبیین جامعه‌شناختی رویکرد سیاسی نظام رسمی جمهوری اسلامی ایران در تربیت شهروند مطلوب با محوریت بررسی اسناد رسمی سند تحول بنیادین و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و تحقق اهداف زیر است:

○ شناسایی تربیت شهروند مطلوب جمهوری اسلامی به‌عنوان شهروندی دین‌دار، خدا ترس و معتقد به دین اسلام در اسناد رسمی.

○ شناسایی تربیت شهروند مطلوب نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان شهروند اجتماعی برخوردار از حس منفعت اجتماعی، با رویکرد جمع‌گرایانه در اسناد رسمی.

شناخت و تحلیل تربیت شهروندی با محوریت این اسناد می‌تواند به‌نظام تربیت رسمی کمک کند تا هدفمند و متناسب با ظرفیت افراد و کنشگران اجتماعی عمل کند و شهروندانی پایمند و مطیع، در عین فعال و خلاق، پرورش دهد، و حتی برای رفع نواقص آن‌ها گام بردارد.

الف) تربیت شهروندی

تربیت شهروندی مفهومی کلی است که با مطالعات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه تبیین می‌شود و می‌توان آن را آموزش مسالمت‌آمیز زندگی به‌طور خاص در یک جامعه (شهروند ملی) و به‌طور عام در جامعه جهانی (شهروند جهانی) دانست.

امیل دورکیم^۲ تربیت شهروندی را انتقال دانش، مهارت و ارزش‌های منتشرشده توسط نسل‌های بزرگسال برای نسل‌های ناپخته برای زندگی اجتماعی تلقی می‌کند که با توجه به ساختار اقتصادی هر جامعه صورت خاصی دارد و برنامه‌ریزی آن باید به دست صاحب‌نظران عرصه فرهنگ، اقتصاد و سیاست صورت پذیرد (سبحانی‌نژاد و منافی، ۱۳۹۰، ص. ۲۹۵).

از نظر جان دیوی^۳ آموزش‌های شهروندی از نظر ملی و مذهبی و به لحاظ بین‌المللی تنها به‌واسطه ضرورت تغییرات سریع اجتماعی و وجود ایدئولوژی‌های افراطی، رشد نژادپرستی، اختلافات طبقاتی، همسان‌سازی افراد و گروه‌ها از نظر روانی، و نیز آشنایی با تکالیف و وظایف اجتماعی نیست. بلکه هدف از آن، تحقق نوعی از ایده‌آل‌ها، تفکرات آزادی‌خواهانه، و حرکت وسیع جامعه به‌سوی مردم‌سالاری و تربیت شهروندان مسئول، فعال و آگاه است (سبحانی‌نژاد، منافی، ۱۳۹۰، ص. ۲۹۵).

نش^۴ (۲۰۰۰/۱۳۹۴)، راش^۵ (۱۹۹۲/۱۳۹۱)، هریسون و بوید^۶ (۲۰۰۳/۱۳۹۵)، و هیوود^۷ (۲۰۰۲/۱۳۹۶)، با طرح موضوع «شهروند سیاسی» نقش گسترده‌تری برای شهروندی مطرح کردند. در میان کلاسیک‌ها، دورکیم شهروندی را شهروند عرفی شده‌ای معرفی می‌کند که تحت تأثیر وجدان جمعی و تقسیم کار اجتماعی، به‌وسیله بزرگسالان آموزش می‌بیند و ساخته می‌شود (سبحانی‌نژاد و منافی، ۱۳۹۰، ص. ۲۹۵).

همچنین، مارشال شهروند را زمانی مطلوب می‌بیند که با تشکیل نهادهای محلی، حقوق سیاسی، اجتماعی و مدنی خود را مطالبه و تثبیت کند و به‌مرور به چنان قدرتی برسد که نابرابری اجتماعی را کاهش دهد (سبحانی‌نژاد و منافی، ۱۳۹۰، ص. ۲۸۸).

یکی از موثق‌ترین بنیان‌های نظری شهروند، کارهای هابرماس^۸ است. او با دیدگاهی همه‌جانبه، ضمن برشمردن ابعاد و ویژگی‌های شهروند و طرح شهروند توافقی - مذاکره‌ای، راهکارهای تبدیل شدن به شهروند واقعی مبتنی بر معیارهای مطلوب مدنظر خود را شرح می‌دهد و حتی تبدیل شدن به ایزه‌ای را که به تعبیر خود هابرماس، باید نیروی صاحب اقتدار به تبعیت از او، به حوزه عمومی و به‌طور خاص شهروندی پایبند باشد ارائه می‌کند (الیوت و ترنر^۹، ۲۰۰۱/۱۳۹۰، ترجمه ارشاد).

ترنر^{۱۰}، با مفهوم‌سازی شهروند جامعه‌شناختی و نظارتی، به شهروند نقشی مضاعف و هم‌تراز با حاکمیت می‌دهد. او گرچه نهادهای رسمی را مسئول تأمین، توزیع و کنترل منابع می‌داند، اما این

موضوع را به معنای سلب مسئولیت از شهروندان نمی‌پندارد. به زعم او، شهروند مطلوب کسی است که ضمن پیگیری مطالبات خود در منابع کمیاب، هم بر دیگران اجتماعی و هم بر نهادها و به‌طور کلی نظام رسمی نظارت داشته باشد (ترنر، ۱۹۹۹).

تیلی^{۱۱}، اندیشمند سیاسی معاصر، شرط لازم برای پیدایش کامل پدیده شهروندی را پیاده‌شدن ساختار دموکراتیک در تمام سطوح و ابعاد عنوان می‌کند. او مهم‌ترین عامل برای محقق نشدن دموکراسی را وجود گروه‌های خودسر مانند نظامیان و مذهبیان می‌داند و معتقد است اگر این نیروها حذف شوند، دموکراسی اجرایی خواهد شد. تیلی دولت تابعی را معرفی می‌کند که با حذف خودسرها، تحت تأثیر عامه مردم و شهروندان قرار می‌گیرد. از نظر او، این شهروند بی‌واسطه تعیین‌کننده همه چیز است. لذا شهروند مطلوب کسی است که با همکاری دولت، نیروهای خودسر را از سر راه بردارد و زمینه رشد خود و مطیع کردن دولت را فراهم کند (تیلی، ۲۰۰۷/۱۳۹۲، ترجمه احمدی).

افزون بر این دیدگاه‌ها، تربیت شهروندی از منظرهای مختلف سیاسی، فلسفی، تاریخی و جامعه‌شناختی تحلیل و بررسی می‌شود که بنا به مقتضیات مسئله این جستار، نقش و جایگاه ابعاد سیاسی و جامعه‌شناختی او بیشتر مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

ب) مبانی سیاسی

مبانی سیاسی تعلیم و تربیت در واقع ترکیبی از سیاست و شهروند است. هیوود در تعریف سیاست چهار رویکرد حکومت‌کردن «به‌مثابه هنر»، «به‌مثابه امور عمومی»، «به‌مثابه سازش و اجماع» و «به‌مثابه توزیع قدرت و منابع» را مطرح می‌کند (هیوود، ۲۰۰۲/۱۳۹۶، ترجمه عالم). در این تعریف، قلمرو سیاست و اجتماع بیش از پیش به هم گره می‌خورد. از این‌روست که حکومت‌ها تلاش می‌کنند به شیوه‌ای سازمان‌یافته، مراحل تربیت هدفمند را از سنین کودکی آغاز کنند. این شیوه دو حوزه را در برمی‌گیرد: نخست اینکه نظام رسمی کدام‌یک از مدل‌های پیشرفت‌گرا و محافظه‌کار را به‌منظور تربیت سیاسی - اجتماعی شهروندان و دانش‌آموزان اتخاذ می‌کند؟ (فلتاش، ۱۳۹۱) و دوم اینکه دانش‌آموزان و شهروندان چه میزان از آگاهی سیاسی - اجتماعی، دانش سیاسی - اجتماعی، اخلاق سیاسی و بینش سیاسی - اجتماعی برخوردارند؟

چارلز تیلی، از اندیشمندان معاصر، نقش متغیر تعیین‌کننده دموکراسی و نسبت دولت‌ها با آن را در شکل‌گیری شهروند اساسی می‌داند (تیلی، ۲۰۰۷/۱۳۹۲). فرمهینی‌فراهانی (۱۳۹۵) برای تربیت سیاسی - اجتماعی شهروند «الگوی فضیلت‌گرای ارتباطی» را معرفی می‌کند که از الگوهای زیرمجموعه «رویکرد پیشرفت‌گرا» محسوب می‌شود.

ج) مبانی جامعه‌شناختی

تربیت سیاسی - اجتماعی، در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به‌عنوان یکی از ساحت‌های شش‌گانه تربیتی در نظر گرفته شده است. بر مبنای این ساحت دو مبنای سیاسی و اجتماعی از هم تفکیک شده‌اند. در مبانی سیاسی، جهت‌گیری تربیتی هم در نهادهای تخصصی تربیت و هم در سایر نهادهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، ملزم می‌شود که تمامی آموزش‌ها در جهت رسیدن به قرب الهی ارائه شوند. راه‌های رسیدن به این اصل را نیز منوط به تحقق حیات طیبه‌ای می‌داند که در جامعه و مدرسه صالح با پذیرش اصل ولایت‌فقیه تحقق پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، فرایند اجتماعی کردن افراد در نتیجه تعاملات و ارتباطات بین فردی افرادی که با هم کنش متقابل دارند، شکل می‌گیرد. فرایند اجتماعی شدن فرایند اجتماعی پویایی است که فرد طی آن، با آموختن الگوهای اجتماعی، نهادینه کردن منش جمعی، و شکل‌گیری هویت اجتماعی، ارزش‌ها، اعتقادات و فرهنگ را اکتساب و درون خود نهادینه می‌کند. از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی کردن بعد از خانواده نهادهای آموزشی هستند. از این‌رو است که تربیت اجتماعی نیز به‌عنوان بخشی از ساحت‌های مطرح در سند به‌مثابه یکی از ارکان سیاست‌گذاری آموزشی مطرح شده است. طبق سند، مبانی جامعه‌شناختی به این نکته اشاره دارند که جامعه حیاتی مستقل از حیات فردی دارد. نسبت فرد و جامعه همانند نسبت وحدت در عین کثرت است. در اینجا توجه به اصالت جمع نیست، بلکه ما مبانی اجتماعی جامعه را بررسی می‌کنیم. اما در تجویز، بر انتخاب و اراده خویش و میزان نوع این تأثیرات بر محیط تأکید می‌شود (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۵، ص. ۲۲۲). در این بعد، دو حوزه تربیت و آگاهی فرد به منظور آمادگی برای نقش‌پذیری و جامعه‌پذیری اجتماعی مورد توجه نظام رسمی است که مبتنی بر تربیت متربی برای مصالح جمعی بر پایه تزکیه‌محوری، اخلاق‌محوری، و امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کند و تا حدودی سلبی و ایجابی هم‌زمان است.

در پژوهش‌های مرتبط با موضوع، در خصوص مقوله شهروندی و تربیت سیاسی - اجتماعی تحقیقات به نسبت خوبی انجام شده‌اند که به‌اختصار به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

مجلل چوبقلو (۱۳۸۷) در پژوهش خود با موضوع «بررسی مؤلفه‌های تربیت سیاسی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی» نشان داد که برنامه درسی تربیت شهروندی موجود و اجرایی در مدارس ابتدایی مطلوب نیست و نمی‌تواند رفتار شهروندی را به‌طور مطلوب بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی شکل دهد.

قلتاش (۱۳۹۱) در پژوهشی با «موضوع مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی

رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی»، و فرم‌هینی فراهانی (۱۳۹۵) در تحقیقی مشابه، با بررسی رویکردهای مختلف، ابتدا آن‌ها را ذیل دو رویکرد کلی «پیشرفت‌گرا» و «محافظه‌کار» سطح‌بندی کردند، و در نهایت رویکرد «فضیلت‌گرای سیاسی» را به‌عنوان رویکردی مناسب برای تربیت رسمی نظام آموزشی ایران دانستند.

محققان دیگری کتاب‌های درسی را به‌منزله واحد تحلیل سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان بررسی کرده‌اند (رضوی، ملکی، عباس‌پور و ابراهیمی‌قوام، ۱۳۸۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۷) که همگی به‌نوعی نشان از آن دارند که تربیت سیاسی در کتاب‌های درسی نامتوازن، ناپیوسته و گاهی مغفول واقع شده است.

غیاثوند (۱۳۹۳) با مطرح کردن شهروند منصبی به‌نوعی می‌خواهد بگوید: شهروند - دانش‌آموزانی که از آن‌ها خدمتی خواسته می‌شود یا به‌عنوان شهردار - دانش‌آموز شناخته می‌شوند، خود را در انجام امور سهیم می‌دانند و وظایف خواسته‌شده را بهتر و بیشتر انجام می‌دهند. پژوهشگران دیگری تربیت شهروند دینی را مورد بررسی قرار دادند که نتایج متفاوتی ارائه دادند (علم‌الهدی، رضایی و یاری، ۱۳۹۶). محمدی، مزیدی و بهشتی (۱۳۹۶) بر اساس یافته‌های پژوهشی خود، تربیت اسلامی متربیان را در ابعاد مردم‌سالاری دینی و اعتقادی به‌عنوان ویژگی مطلوب معرفی کردند، درحالی‌که علم‌الهدی، رضایی و یاری (۱۳۹۶) تربیت اسلامی دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار دادند و اظهار داشتند، با توجه به اینکه تعامل غیررسمی در مدارس بین دانش‌آموزان تأثیرگذاری بیشتری دارد، محورهای دینی با شکل‌های سنتی توجه کمتری دریافت می‌کند.

در پژوهش‌های خارجی تربیت شهروندی گستره بیشتری دارد. لی (۱۹۹۹) ویژگی‌های شهروند خوب را آگاهی از مسائل و مشکلات جامعه، مشارکت فعال در امور جامعه، مسئولیت‌پذیری، رفتار مبتنی بر اخلاق، منتقدبودن و ظرفیت پذیرش نقد، توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه، و احترام به تنوع و تکثر می‌داند.

کالیو، میلز و اسکلتون^{۱۲} (۲۰۱۶) دریافتند، فقر سازمان‌یافته در آموزش و تربیت شهروندی نقش مهمی به‌ارتباط اقتصاد و تربیت شهروندی می‌دهد. دالتون^{۱۳} (۲۰۰۶) «شهروند مستقل و انتقادگر»، و هاسکینز و ماسرینی^{۱۴} (۲۰۰۹) «اراده شهروندی» را مطرح کردند. پالوما^{۱۵} (۲۰۱۰)، در تحقیق درباره باورهای کنشگری تربیتی معلمان که از آنان به‌عنوان نیروی اصلی و رابط نظام رسمی و تربیت عمومی یاد می‌کند، نتیجه می‌گیرد: معلم وظیفه دوگانه‌ای را پیش روی خود می‌بیند: او یا نگرش حاکمیت را قبول دارد که در این شرایط تربیت شهروندی مسیر عادی خود را طی می‌کند، یا باورهایش با ایدئولوژی حاکم متضاد است که در این صورت، بین اینکه مطابق تفکر خود آموزش دهد یا بر اساس ایدئولوژی حاکم عمل کند، دچار تعارض می‌شود.

■ روش پژوهش

روش این مطالعه اسنادی است و جامعه آماری آن، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری آن، و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله است. روش اسنادی روشی غیرمزامی است که پژوهشگر از فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون خارج می‌شود و آن را به‌عنوان زبان نوشتاری غالب نویسنده می‌پذیرد و مورد استناد قرار می‌دهد (فلیک^۶، ۲۰۰۶/۱۳۹۶). هدف این روش مشخص کردن زوایای پنهان و آشکار متن است. در این مطالعه با تحلیل دو سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری آن و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، مؤلفه‌های دینی و اجتماعی، و مبانی شناختی مفهوم‌سازی شده‌اند. در تحقیقات کیفی از روش‌های متفاوتی به‌طور هم‌زمان به منظور تحلیل داده‌ها و متون استفاده می‌شود، و می‌توان گفت خیلی از مراحل این روش‌ها باهم مشابه هستند. با این توضیح، در پژوهش حاضر، با وجود اینکه در انتخاب مضامین و تم‌ها از تحلیل موضوعی استفاده شد، اما از تحلیل محتوای کیفی به‌عنوان تکنیک تحلیل و کدگذاری متن‌ها بهره‌گرفتیم. تحلیل محتوای کیفی، گرچه شباهت زیادی به تکنیک «داده‌بنیاد» دارد، اما برخلاف آنکه هدفش ارائه نظریه است، هدفش هدایت پژوهشگر و داده‌ها به سمت هدف پژوهش است تا بتوان قدرت انتقال‌پذیری، وابستگی و تأییدپذیری آن را افزایش دهد. از این‌رو، از مرحله کدگذاری باز تنها برای کوتاه‌کردن متن استفاده شده است.

شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش، به تبعیت از روش و تکنیک استفاده شده، نمونه‌گیری هدفمند است. در این شیوه نمونه‌گیری، پژوهشگر به‌صورت هدفمند دو سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله را انتخاب کرد. بعد از آن با تحلیل متون این اسناد، واحدهای ثبت (تحلیل)، زمینه، و معنا مشخص شدند. در این پژوهش، «واحد تحلیل» مضمون بحث، «واحد زمینه» موضوع مورد بحث، و «واحد معنا» نیز مفاهیم مشترک بین کدگذاری است که از زیرمقوله‌ها استخراج شدند. در ادامه با استخراج و کدگذاری زیر مقوله‌ها، مضامین و مقوله‌های فرایند تحلیل اسناد به‌شیوه زیر انجام گرفت: نخست با مشخص کردن قلمرو جامعه آماری در دو سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، و با توجه به مسئله پژوهش، دو مفهوم کلیدی تربیت «شهروند دینی» و «شهروند اجتماعی» تعیین شدند. سپس به کمک فیش‌برداری بخش‌های موردنیاز انتخاب شدند. انتخاب این بخش‌ها تا جایی که نگارنده به اشباع نظری رسید، ادامه پیدا کرد (اشتراوس و کوربین^۷، ۱۹۹۶/۱۳۹۰، ترجمه محمدی). در ادامه، داده‌ها بر اساس مراحل سه‌گانه تحلیل محتوای کیفی کدگذاری شدند: نخست با ساده‌سازی متن‌های فیش‌برداری شده، بدون تغییر در کیفیت متن‌ها، کدگذاری آغاز شد. در مرحله دوم، با تغییر کمیت متون، آن‌گونه که در جدول‌های ۲، ۳، و ۴ آمده است، متون خلاصه‌سازی شدند. در مرحله سوم نیز متون مرتبط با مبانی تربیتی - سیاسی و جامعه‌شناختی و متون مرتبط با فرایند تحقق حیات طیبه، به‌عنوان شرط اساسی تربیت دینی - اجتماعی در سند تحول بنیادین، و همچنین اصول هشت‌گانه سند چشم‌انداز و دو مقوله «امور فرهنگی، علمی و فناوری» و «امور اجتماعی و سیاسی»، با زیرمقوله‌های مربوط، کدگذاری شدند.

جدول ۱. فرایند روش تحلیل محتوای کیفی (کدگذاری و مقوله‌سازی)

سند		سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند چشم‌انداز						
مضمون		تربیت شهروند دینی جامعه دانش‌آموزی به‌مثابه سرمایه‌های سیاسی						
مقوله		شهروند اجتماعی			شهروند دینی			
مؤلفه		نقطة آغاز تحول	نقش آفرینی اجتماعی	مشارکت اجتماعی - سیاسی	منفعت اجتماعی	شناختی	عبادی	اعتقادی
زیرمقوله	انسان توحیدگرا، باورمند به مبانی انقلابی، پذیرش حاکمیت سیاست دینی	فردمحوری	پذیرش پسر بودن و دختر بودن با حفظ ویژگی‌های خاص، ایجاد استحکام رابطه با جهان اسلام	مشارکت، سوادآموزی، پرورش فعال و مسئولیت‌پذیری	پرورش حقوق متقابل انسانی، حفظ حقوق شهروندی، پرورش همه‌جانبه، پذیرش متقابل حکومت و مردم	ارزشی، اخلاقی، علمی، فرهنگی، همبستگی همه‌جانبه، پذیرش روحانیت به‌عنوان نیروی فرهنگی، وجدان کاری، کسب علوم پیشرفته، استحکام درونی فرهنگ نماز و سواد قرآنی، شناخت شبیخون فرهنگی	شرکت در مراسم دعا، پایبندی به مناسبات مذهبی و راز و نیاز، متکی به خدا	انسان توحیدگرا، باورمند به مبانی انقلابی، پذیرش حاکمیت سیاست دینی
	نهادمحوری	نسبتاً متأثر از شرایط بیرونی، برنامه کاهش فاصله طبقات، گسترش سوادآموزی به‌وسیله دولت	حسن فاعلی، اراده فردی	ارزش خواهی، متوقع وظیفه‌شناس	خودآگاهی، موقعیت‌شناسی	عمل‌گرایی دینی، پذیرش نیروی لایتنهای خداوند	استحکام روحیه انقلابی‌گری، هم‌گرایی دین و سیاست	
رمز	استحکام روحیه انقلابی‌گری، هم‌گرایی دین و سیاست	ساختارگرایی	اراده‌گرایی	هویت جنسیتی، جهت‌گیری فراملی خاص	ارزش خواهی، پویایی	دگر خواهی، متوقع وظیفه‌شناس	عمل‌گرایی دینی، پذیرش نیروی لایتنهای خداوند	استحکام روحیه انقلابی‌گری، هم‌گرایی دین و سیاست

بر مبنای جدول ۱، فرایند کدگذاری تحلیل محتوای کیفی از اسناد مورد بررسی، محیط اجتماعی - آموزشی مدرسه به‌عنوان مهم‌ترین میدان سیاسی نظام رسمی برای تربیت شهروند مطلوب خود، به‌عنوان مضمون (تم) اصلی، از مقوله‌های تربیت دینی و اجتماعی استخراج شد.

یافته‌ها

یافته‌های مطالعه در نتیجه فرایند ساده‌سازی، خلاصه‌سازی و فشرده‌کردن متون اسناد، با تکنیک تحلیل محتوای کیفی، برای مشخص کردن و تبیین رویکرد سیاسی به مقوله تربیت شهروندی دانش‌آموزان که در ادامه خواهد آمد، مفهوم‌سازی شدند.

○ **سند تحول بنیادین و شهروندی:** سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری آن، یکی از منابع اصلی برای آماده‌سازی و تربیت شهروندان متناسب با ایدئولوژی و سیاست نظام رسمی ایران است که این مطالعه با نگرش تبیینی و تحلیل مبانی که مستقیماً به آماده‌سازی شهروند و تربیت دانش‌آموز

می‌پردازد، آن را بررسی کرده است. صرف‌نظر از کل‌نگری‌هایی که در تدوین و به‌کارگیری مفاهیم و گزاره‌های هنجاری-تجویزی به‌کار رفته‌اند، در سند محورهای مرتبط با موضوع در ابعاد و مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، دین‌شناختی، و جامعه‌شناختی مورد تحلیل قرار گرفتند و نسبت این ابعاد با شهروند مطلوب جمهوری اسلامی مشخص شد.

جدول ۲. ساده‌سازی ابعاد تربیت شهروندی بر اساس مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مبانی	مضامین تربیت
هستی‌شناختی	<ul style="list-style-type: none"> ■ جهان هستی واقعیت دارد و از نظر اسلام امری مسلم و بدیهی است. ■ خداوند مبدأ و منشأ جهان و یگانه مالک و واجب‌الوجود است ■ ویژگی ذات جهان و موجودات آن، فقر و نیاز محض به واجب‌الوجود است و فقر ذاتی از ویژگی‌های تمامی موجودات نسبت به واجب‌الوجود است. ■ آفرینش هستی غایتمند و خداوند غایت همه موجودات است.
معرفت‌شناختی	<ul style="list-style-type: none"> ■ انسان توانایی شناخت دارد. علم انسان دارای مراتب و سطوح مختلف، مانند حضوری و حصولی است. ■ معیار اعتبار علم انسان مطابقت با نفس‌الامر است. ■ منابع شناخت آدمی متنوع‌اند (حواس، عقل، شهود، مکاشفه، وحی و الهام). ■ انسان، هم در مقام عمل و هم در مقام نظر، از توانایی تعقل برخوردار است. ■ شناخت انسان با موانع و محدودیت‌هایی همراه است.
انسان‌شناختی	<ul style="list-style-type: none"> ■ انسان مرکب از جسم و روح است که هر دو وجه مادی و غیرمادی را شامل می‌شود. ■ حقیقت انسان روح است و کمال او بسته به کمال و روح است. ■ انسان فطرت الهی و قابلیت فعلیت و شکوفا شدن دارد. این قابلیت را دارد که سیقل بخورد و تکامل یابد. ■ انسان بر حسب فطرت خویش، جویای مراتب کمال تا بی‌نهایت است (الی الله المصیر). ■ انسان هم کرامت ذاتی دارد هم کرامت اکتسابی. ■ انسان موجودی آزاد و صاحب‌اختیار است. ■ وجود انسان همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است (حرکت و سیروپریت). ■ انسان همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کند و تغییر دهد. با توجه به اختیار خود و درک مبدأ و مقصد هستی، این امر شدنی است. ■ هویت انسان میل به اراده جمعی، و کسب مهارت‌ها و توانمندی‌هاست (ص ۷۳).
ارزش‌شناختی	<ul style="list-style-type: none"> ■ ارزش‌های حقیقی بر واقعیت‌های مربوط به عمل آدمی تکیه دارند. در واقع منظور این است که ارزش‌ها بسته به عمل اختیاری فرد هستند و بدون آن اعتباری ندارند (ص ۸۸). ■ اعتبار ارزش‌ها هم از طریق عقل و فطرت انسانی و هم با مراجعه به نظام معیار دینی معلوم می‌شود. ارزش حسن و قبح عقلی است. ■ ارزش انواع مختلف دارد و به دو گونه غایی و ابزاری تقسیم می‌شود. در نوع غایی ناظر بر رابطه با حقیقت و خود است. در نوع ابزاری، ارزش‌ها نتایج مطلوب به بار می‌آورند و انسان تنها با مراجعه به ارزش نهایی می‌تواند سایر ارزش‌ها را درک کند.
دین‌شناختی	<ul style="list-style-type: none"> ■ در دین اسلام رشد همه‌جانبه افراد بر بنیان ارزش‌های متوازن و همه‌جانبه است. ■ برای فهم دقیق دین در اسلام اجتهاد معرفی شده که با پذیرش عقل مولد و عقل ابزاری صورت می‌گیرد. ■ دین‌داری کوشش خردمندانه انسان برای رسیدن به حیات طیبه است که با مؤلفه‌های معرفت، ایمان، عبادت، عمل صالح، در ابعاد عقیدتی، مناسکی و پیامدی شناخته می‌شود.

تحلیل‌های حاصل از سند تحول و مبانی نظری، آن‌گونه که در جدول ۲ آمد، شکل خاصی از رفتارها، نگرش و عمل مبتنی بر ارزش محسوب می‌شود که بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر و حضرات اهل بیت (ع) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده‌اند (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص. ۱۵). این محورها در مبانی شش‌گانه (هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، دین‌شناختی و جامعه‌شناختی) ارائه شده‌اند. هر محور مضامین جزئی تری را دربرمی‌گیرد که می‌تواند به لحاظ شناختی مسیر تربی را تا حدودی واضح‌تر ترسیم کند. این محورها به‌عنوان زیرمقوله در جدول‌های ۳ و ۴ آمده‌اند.

○ **سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و مبانی تربیت شهروندی در آن:** این سند به‌طورکلی تمامی ابعاد کمی و کیفی توسعه‌کشور را طی دوره‌ی زمانی ۲۰ ساله ترسیم کرده است. محورهای آن ناظر بر فراهم آوردن شرایط از طریق آموزش، تجهیزات، امنیت و تعامل هستند. این سند در بعد آموزش و تربیت شهروندی، با تأکید بر آماده‌سازی جامعه مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، آزادی‌های مشروع، و حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها (بند اول)، خود را ملزم به آماده‌سازی نیروی انسانی برخوردار از دانش پیشرفته (بند دوم) و شهروندانی فعال، مسئولیت‌پذیر، مؤمن، و نیز برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری، اجتماعی و متعهد به موازین انقلاب اسلامی (بند پنجم) می‌داند.

هماهنگی و توسعه‌ی متوازن بین رشد فرهنگ و آموزش با سیاست‌های توسعه‌ای (سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، ۱۳۹۴) مهم‌ترین هدف چشم‌انداز در این دوره به حساب می‌آید که با کمی تأمل مشخص می‌شود، زیربنای دستیابی به هدف تربیت نیروی انسانی است و نیروی انسانی نیروی محرکه و پیش‌برنده برنامه محسوب می‌شود. این سند آشکارا تربیت شهروند را امری از بالا و برنامه‌ها را دیکته شده بر اعضایش می‌داند و به‌نوعی شهروندسازی از بالا و پایین زمینه‌سازی می‌شود که تا حدودی با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش متناقض است که نگرش فردگرایانه دارد و بیان می‌دارد: خود فرد و دانش‌آموز به‌عنوان شهروند بزرگ‌سال آینده باید بخواهد، اراده کند و تصمیم بگیرد. این جمله که: «انسان هم در مقام عمل و هم در مقام نظر از قوه‌ی تعقل برخوردار است و می‌تواند تصمیم بگیرد» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص. ۸۵)، و: «هویت حاصل تلاش و توفیق شخص و تا حدودی متأثر از شرایط اجتماعی است» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص. ۱۲)، نمونه‌هایی از نگرش فردگرایانه به تربیت شهروندی دانش‌آموزان است.

تحلیل اسناد بر اساس اهداف

الف) **تربیت شهروند مطلوب در نظام رسمی جمهوری اسلامی به‌صورت شهروندی دین‌دار، خداترس و معتقد به دین اسلام:** یافته‌های حاصل از مطالعه و تحلیل هرکدام از اسناد موردبررسی،

بعدی از این ویژگی‌ها و محورهای آن را مشخص کردند. هر دو سند در سه بعد تربیت دینی و توحیدی بودن، به معاد اعتقاد داشتن و پیرو دین اسلام و امامان شیعه بودن، و پذیرش پدیده انتظار و مهدویت مشترک هستند. تربیت دینی دانش‌آموز به‌عنوان رویکرد غالب سیاسی در ایران، در جدول ۳ به‌صورت مضمون (تم) اصلی، مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اسناد موردبررسی ارائه شده است.

جدول ۳. خلاصه‌سازی ابعاد تربیت شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مبانی نظری آن و سند چشم‌انداز

تم	مقوله‌ها	مضمون‌ها	زیرمقوله‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	زیرمقوله‌های سند چشم‌انداز ۲۰ ساله
دین‌دار		اعتقادی	■ انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد، تقویت باور به ارزش‌های انقلاب اسلامی	■ هم‌گرایی دینی و اسلامی، ایمان به خدا، متعهد به انقلاب اسلامی، متعهد به نظام اسلامی و مردم‌سالاری دینی
		عبادی	■ خداپرست و کوشا در فرایض دینی، مشارکت در اعیاد مذهبی و وفیات، تقویت انس با دعا	■ اتکا به قدرت خدا
تربیت سیاسی شهروند - دانش‌آموز به‌مثابه تربیتی دینی	شناختی	ارزشی	■ داشتن روحیه جهادی، تأکید بر استفاده از ظرفیت حوزه علمیه، داشتن عفاف و حجاب، شناسایی مؤلفه‌های گوناگون نظام معیار اسلامی از طریق حوزه علمیه	■ متکی بر اصول و ارزش‌های اسلامی، و دارای حس افتخار و متعهد به ایرانی بودن
		اخلاقی	■ تأکید و استفاده از ظرفیت‌ها برای رشد فضائل اخلاقی در محیط فرهنگی و اجتماعی، و اولویت دادن به حیا، عفاف و صداقت در تمام دوران	■ مروج اصول اخلاقی-اسلامی، و برخوردار از وجدان کاری
		علمی	■ برخوردار از روحیه کارآفرینی و کسب شایستگی‌های علمی، حرفه‌ای و مهارتی، و ارج نهادن به دستاوردهای علمی و تجربه‌های بشری در چارچوب نظام معیار اسلامی	■ برخوردار از دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری
		فرهنگی-هنری	■ درک مفاهیم فرهنگی و میان فرهنگی در خلق آثار هنری و فرهنگی، کوشش برای توسعه فرهنگ نماز و سواد قرآنی، شرکت در بسیج و کانون‌های فرهنگی و انجمن اسلامی دانش‌آموزان، باور به فرهنگ عفاف و حجاب	■ گسترش دادن معرفت دینی بر پایه مبانی اسلام، تقویت فضایل اخلاقی، برخوردار از ایمان و روحیه ایثار، مقابله با تهاجم فرهنگی

بر مبنای جدول ۳، بعد از مشخص شدن مضمون اصلی (تم)، ابعاد مسئله در دو بعد دین‌داری و شناختی مقوله‌بندی شدند. سپس هر کدام از این ابعاد به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مربوطه، بر اساس کدگذاری تفکیک شدند. بر مبنای این کدگذاری، سند تحول، ضمن اهمیت دادن به بخش‌های گوناگون اعتقادی، عبادی، اخلاقی، علمی، و فرهنگی-هنری، رویکرد دینی بودن در تمامی آن‌ها به‌عنوان محور اصلی و مشترک آن‌ها مشخص شد. سند چشم‌انداز که به‌واقع مدت‌دار و اعتباری طراحی شده است، به‌طور معمول باید در پایان دورهٔ زمانی‌اش ارزیابی شود. اما طبق این سند، دولت و حکومت باید شرایط و لوازماتی را برای تربیت شهروند مورد نظر خود فراهم کنند تا با هدایت آن‌ها در این دوره درنهایت، دانش‌آموز به شهروندی موحد، خداترس، منتقد، پایبند به دین اسلام و مبلغ آن تبدیل شود و در مسیر رسیدن به قرب الهی قرار گیرد. آن‌گونه که در جدول ۳ آمده است، محورهای سند چشم‌انداز تا حدودی کلی تدوین شده‌اند، اما با تلفیق و استخراج مضامین و زیرمقوله‌های اسناد، مقوله‌های تربیت دینی مفهوم‌سازی شدند.

ب) شهروند مطلوب نظام جمهوری اسلامی ایران، شهروند اجتماعی برخوردار از حس منفعت جمعی و با رویکردی جمع‌گرایانه تربیت می‌شود

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی که مدعی است مدیریت تلفیقی از آزادی و التزام، نقش‌آفرینی و تعهد و تأثیر متقابل فرد و نهاد را ارائه کرده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص. ۳۱۴) بر اساس این گزاره در حال ساختن سوژه‌ای اجتماعی است که به حقوق و تکالیف شهروندی‌اش واقف است. تحلیل محتوایی اسناد رسمی تربیت شهروندی دانش‌آموزان حاکی از آن است که در محورهای توجه به ساختارمندی و نهادپذیری بودن شهروند، به‌خصوص محتویات سند چشم‌انداز ۲۰ ساله هدف‌گذاری کرده است، و نگرش فردگرایانه به تربیت شهروندی و آماده‌سازی او، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بیشتر نمایان است. بر اساس فرایند کدگذاری و تحلیل اسناد، مقوله‌های منفعت اجتماعی، مشارکت اجتماعی-سیاسی، نقش‌پذیری مجزای اجتماعی و نقطهٔ عزیمت تحول (فرد محوری یا جمع محوری) استخراج شدند که به همراه زیرمقوله و رمزها در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

جدول ۴. مضمون اصلی، مقوله‌ها، زیر مقوله‌ها، و رمزهای حاصل از کدگذاری سسند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله

تم	مقوله	زیرمقوله‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	زیرمقوله‌های سند چشم‌انداز ۲۰ ساله	رمز
تربیت سیاسی دانش‌آموز به‌مثابه شهروند اجتماعی	منفعت اجتماعی	فرایند تربیت رسمی و عمومی بر اساس حقوق متقابل انسانی و کرامت او شکل می‌گیرد- همکاری و هماهنگی نهادها و رکن‌های مختلف جامعه برای تربیت (مبانی نظری سند، ص. ۲۸۵) - گرایش به وحدت و مردم‌سالاری دینی- حفظ حقوق شهروندی (ص ۲۴)	توسعه تربیت متناسب در ابعاد فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی- آزادی مشروع - تربیت متناسب بر پیوستگی مردم و حکومت - تأمین سلامت رفاه، امنیت و فرصت‌های برابر توسط حکومت	تربیت متناسب، و تربیت بین‌نهادی
	مشارکت اجتماعی سیاسی	همهٔ آحاد کشور باید حق دسترسی به فرصت‌های برابر تربیتی را، صرف‌نظر از خصوصیات فردی و خانوادگی داشته باشند (مبانی نظری سند، ص. ۲۴۳) - سازمان‌یافتگی، فراگیری عمومی، مشارکت جمعی متربیبان وطن‌پرست (ص. ۲۶۸) مشارکت فعال و آگاهانه - مسئولیت‌پذیر (مبانی نظری سند، ص. ۱۹۱)	تربیت متربی فعال، مسئولیت‌پذیر و با وجدان کاری - ایجاد حسن تعاون و سازگاری اجتماعی، تلاش برای شکل‌گیری نهاد قضایی، نگهداری محیط‌زیست، تلاش برای تعامل درونی و بیرونی، تعامل با جهان اسلام	تربیت حقوق‌محور، برخوردار از حس تعیین سرنوشت فردی و اجتماعی تعامل هدفمند بیرونی
	نقش‌پذیری مجزای اجتماعی	صرف‌نظر از جنسیت زن و مرد به‌عنوان انسان نقش و مسئولیت می‌گیرد- هویت جنسیتی- هویت ایرانی (مبانی نظری سند، ص. ۲۶۷) تربیت متناسب با نیازهای کشور- رشد جنسی متربیبان- توجه به شایستگی‌های پایه با تأکید بر هویت جنسیتی به‌عنوان رویکرد نرم (ص ۳۰۴) آمادگی برای زندگی مشترک و تکوین هویت جنسیتی (ص ۳۰۰) تربیت متناسب با نیازها و نقش‌های متفاوت دختران و پسران (ص ۳۹) راهکار ۲-۴ و ۱۶-۲ سند (ص ۵۰-۵۲)	تربیت متناسب در افق ۱۴۰۴ توانا در تشخیص روابط با خالق، مخلوق، خود و دیگران - نقش‌آفرین در انتخاب‌های آگاهانه، مسئولانه و اختیاری	آگاهی جنسیتی، قدرت تشخیص، پایبندی به تشکیل خانواده
	فرد محوری	مبانی تمامی عمل و انگیزه انسان وجه فردی آدمی است (مبانی نظری سند، ۱۳۹۰، ص. ۷۴) - سرنوشت هرکس در این دنیا با عمل اختیاری او رقم می‌خورد- در ارزشمند دانستن هر عمل اولویت با حسن فاعلی و انگیزهٔ نفس عمل است، همهٔ انسان‌ها به اقتضای فطرت و عقل سلیم خود عمل می‌کنند (مبانی نظری سند، ص. ۹۸) اجتماعی بودن انسان فطرتی ثانویه دارد- تربیت رسمی بیش از هر چیز باید به جنبه‌های فردی شخصیت هر متربی توجه کند (مبانی نظری سند، ص ۲۴۴)- افراد خود خیر و مصلحت خویش را آزادانه انتخاب می‌کنند- تأکید بر معلم‌محوری در تربیت (ص. ۲۴)	درنهایت شهروند دارای ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فردی تصمیم می‌گیرد. - کشف و هدایت استعدادها و پاسخ‌گویی به نیازها و علایق متناسب با دین اسلام - پاسخ‌گو و خود‌ارزیاب در موقعیت‌های مختلف- تأمین‌کننده نیازهای فردی و توانا در نقد شرایط	ارادهٔ فرد، تفاوت فردی، مصلحت‌اندیشی فردی در تشخیص فردی در سند تحول تصمیم‌گیر نهایی، مسئول اعمال خود و هماهنگی با ساختار در سند چشم‌انداز
نهاد محوری	دولت در زمینهٔ تربیت فردی وظیفهٔ پشتیبانی، نظارت و همکاری دارد (مبانی نظری سند، ص. ۳۱۶) - هویت انسان تا حدی متأثر از شرایط بیرونی است (مبانی نظری سند، ص. ۷۳) - وجه جمعی انسان تنها ناظر بر داد و ستد و احساس تعلق است (مبانی نظری سند، ص. ۷۴) - انسان موجودی اجتماعی است که شخصیتش تاحدی تحت شرایط محیطی ساخته می‌شود - هویت انسان تحت تأثیر نسبی محیط و وراثت قرار دارد (مبانی نظری سند، ص. ۱۳۱)	تهیهٔ برنامه‌های توسعه‌ای برای سرمایه‌گذاری، کاهش فاصلهٔ طبقاتی، رشد فرهنگ آموزش و پرورش توسط حکومت - تلاش مدبرانهٔ جمعی برای تحقق قانون اساسی	نقش پشتیبانی دولت، هم‌نوا شدن، تقویت خود اجتماعی	

بر مبنای یافته‌های پژوهش، رویکرد جمهوری اسلامی در تربیت دانش‌آموزان به‌عنوان شهروند، با تحلیل محتوای کیفی اسناد مربوطه و کاهش و کدگذاری مباحث در فرایند مقوله‌سازی و زیرمقوله‌های آن، نگرش سیاست رسمی به اجتماعی کردن دانش‌آموزان، نوعی شهروند دینی - اجتماعی مفهوم‌سازی شد. اما برای رسیدن به این مطلوب، هر کدام از اسناد مسیر متفاوتی را برای رسیدن به هدف غایی مشترک که همانا قرب الهی است، طراحی می‌کنند؛ اگرچه هر کدام به مسیر با نقطه شروع متمایز برای تربیت شهروندی توجه دارند: سند تحول و مبانی نظری آن در بطن مفهومی خود رویکرد فردمحوری دارد، نهادهای مرتبط، حیات طیبه، و مدرسه صالح را برای تربیت لازم می‌داند، و سند چشم‌انداز که تا حدود زیادی نهاد محور است، دولت و نظام رسمی را مبنای شروع تربیت این سوژه می‌داند، اما به این نکته اشاره می‌کند که چنین شهروندی در نهایت باید خودارزیاب، منتقد، مشارکتی و... از دل این نهادها و ساختار خارج شود. مسیر تربیت شهروندی در نمودار ۱ بهتر نمایان است.



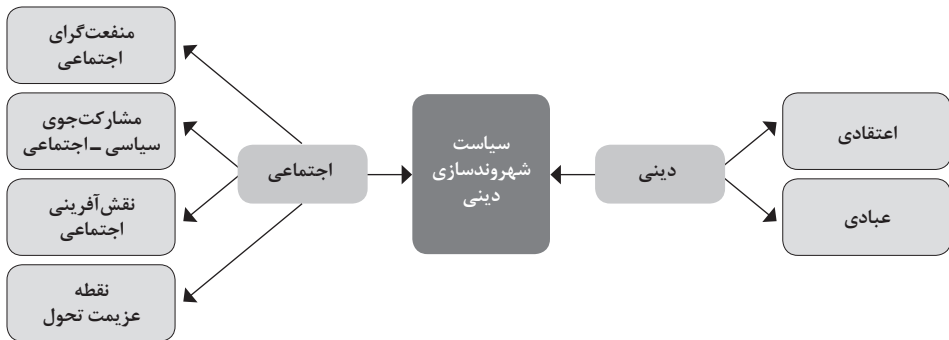
نمودار ۱. مسیر تربیت شهروندی مطلوب در سند تحول و سند چشم‌انداز

با توجه به نمودار ۱، هر دو سند هدف واحدی دارند و در نهایت به نقطه مشترک که همان قرب الهی است، می‌رسند. هر چند در بخش‌های میانی، هر دو سند به‌صورت موازی و هم‌تراز به تربیت توجه دارند. با این حال با هم تفاوت‌هایی دارند:

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری آن، با وجود ایجاد محیط، فضا و ساختار طیبه، بر محور بودن متربی و خواست و اراده او تأکید دارد و تصریح می‌کند، اگر فردی تصمیم به یادگیری و تربیت گرفت، این تنها مسیر است. به عبارت دیگر، شهروند مطلوب کسی است که با خواست، اراده و توانایی فردی و همچنین برخوردار بودن از توان سازگاری و فراگیری بتواند دست به انتخاب درست بزند و زمینه‌های تربیت درست را در خود فراهم کند.

در حالی که در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، نخست دکتترین خواسته‌شده تدوین و ساختارهای متناسب

بسترسازی می‌شوند، سپس ابزار و امکانات برای تشکیل ساختار صالح و حیات طیبه فراهم می‌شود و متریبان را در قالب طرح آموزش رایگان عمومی مستقیم و غیرمستقیم و ادار به قرار گرفتن در این نوع از تربیت می‌کنند. در اینجا هرچند به خواست و اراده شهروند توجه می‌شود، اما مطلوب بودن او، مشروط به تبعیت از ساختار نهادینه‌شده و الزام به قرار گرفتن در آن است. یافته‌های تحقیق رویکرد شهروندسازی جمهوری اسلامی ایران در نمودار ۲ به نمایش درآمده است.

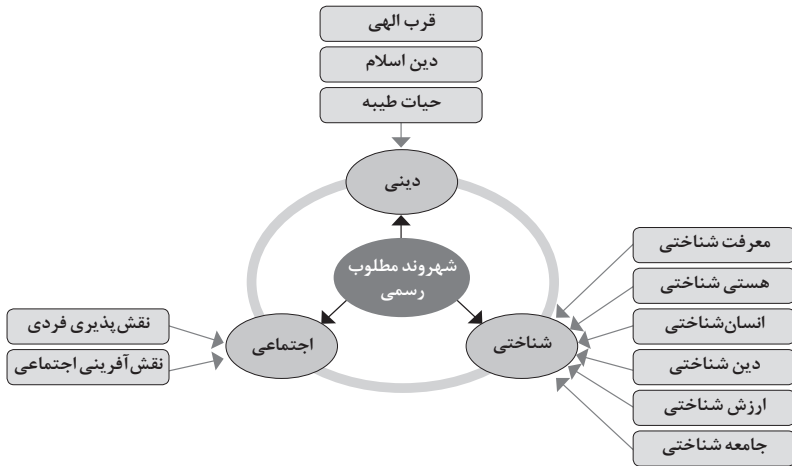


نمودار ۲. مدل مفهومی سیاست تربیت شهروندی

در مدل فوق، سیاست اصلی تربیت دانش‌آموزان در ایران که در اسناد خود را نشان می‌دهد و پژوهش‌های تجربی و به‌خصوص پژوهش‌های داخلی نیز آن را تأیید می‌کنند، این است دانش‌آموزان بر اساس رویکرد صرفاً دینی تربیت شوند و تمامی آموزش‌ها، به تبعیت از نگرش متمرکز محور و دولتی که بر محور اسلام و اصل ولایت فقیه استوار است، به سمت تولید و بازتولید تربیت شهروند دینی هدایت شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، اصول تربیت رسمی و عمومی بر پایه روابط درونی (ناظر بر ارتباط بین بخش‌ها و اجزای نهاد تربیت رسمی و عمومی) و روابط بیرونی (ناظر بر ارتباط در طول و عرض نهادها و عناصر جامعه و نسبت روابط آن‌ها با هم که کارکردهای یکدیگر را تنظیم می‌کنند)، شکل می‌گیرند. روابط درونی نظام تربیت رسمی به انطباق با نظام معیار اسلامی، عدالت تربیتی، فرصت برابر آحاد متریبان، انسجام اجتماعی، تنوع و کثرت، و مسئولیت‌پذیری اشاره دارد. روابط بیرونی نیز ناظر بر پاسخ‌گویی، مشارکت و برقراری رابطه صحیح و اصولی با دیگر نهادها و هماهنگی بین نظام رسمی تربیت عمومی و تخصصی (آموزش عالی) است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص. ۳۷۴). سیاست کلی ناظر بر هر دو بخش هدایت فردی و اجتماعی آحاد جامعه به سمت شکل‌گیری اجتماع دینی است.



نمودار ۳. مدل مطلوب شهروند رسمی

در پاسخ به سؤال ابتدای این مطالعه که: نظام رسمی جمهوری اسلامی ایران در تربیت شهروند مطلوب خود چه رویکرد سیاسی را دنبال می‌کند و این شهروند مطلوب چه ویژگی‌هایی دارد؟ می‌توان گفت: بر اساس نمودار ۲، شهروند زمانی مطلوب خواهد بود که در سه بعد دینی (التزام عملی به دین اسلام و موازین استخراج‌شده از آن در اسناد، به‌خصوص سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)، شناختی و اجتماعی پرورش داده شود. بر اساس همین یافته‌ها، این رشد زمانی محقق خواهد شد که با مشخص کردن هدف نهایی و غایی خود که همانا قرب الهی است، با پذیرش و التزام عملی به دین اسلام، در یک محیط ذهنی، اعتقادی و عمومی، و در راه تحقق حیات طیبه گام بردارد. طبق سند تحول بنیادین، لازمه شکل‌گیری و تحقق این حیات طیبه دستیابی به شناختی است که از راه‌های مختلف (شهود و مکاشفه، عقل، و وحی) در ابعاد زیر فراهم می‌شود:

الف) بعد هستی‌شناختی با گزاره‌هایی چون وجود انسان ناشی از خداوند است؛

ب) بعد معرفت‌شناختی با گزاره‌هایی چون درک موقعیت خود نسبت به دیگران و هستی ضرورت دارد؛

ج) بعد دین‌شناختی با گزاره‌هایی چون اسلام تنها مسیر تکامل است؛

د) بعد ارزش‌شناختی با گزاره‌هایی چون شناخت نسبت به ارزش‌های عبادی و اعتقادی ضرورت دارد؛

ه) بعد انسان‌شناختی با گزاره‌هایی چون وجود انسان همواره در حال شدن، دگرگونی و حرکت است؛

و) بعد جامعه‌شناختی و رسیدن به این باور که تحقق تمامی این اصول تکاملی در

محیطی اجتماعی و با وجود دیگران میسر است.

در این بعد شناختی، فرد با قرار گرفتن در جامعه، در حوزه فردی نقش‌های شخصیتی چون زن یا مرد بودن و خصلت‌های مربوط به آن را می‌آموزد. در بعد اجتماعی نیز متناسب با نوع هویت و هویت جنسیتی که کسب کرده است، در گروه‌ها، مشاغل و سایر حوزه‌های اجتماعی نقش آفرینی می‌کند. با مشخص شدن این ویژگی‌ها، اهداف مورد نظر ارزیابی می‌شوند: در تحلیل هدف اول، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل اسناد، حکایت از آن دارند که هر دو سند نوعی از تربیت را ارائه می‌دهند که بر طبق آن، شهروند در تمامی حوزه‌های فردی و اجتماعی، منش، و نگرش خود را متناسب با دین ارزش‌گذاری می‌کند. محورهای این ارزش‌گذاری دینی در ساحت‌های مختلف تربیت بر محوریت سه اصل پذیرش دین و حکومت دینی، اعتقاد به مبانی دین اسلام، پذیرش اصل ولایت‌فقیه و انقلاب اسلامی و لوازمات آن استوار است. در بررسی این هدف، مقوله‌های اعتقادی، عبادی، ارزشی، اخلاقی، علمی و فرهنگی مقوله‌هایی بوده‌اند که فرد می‌تواند با پایبندی به اصول آن‌ها نوع تربیت خود را نشان دهد. طبق یافته‌ها، فرد و دانش‌آموز با نهادینه‌کردن فضایل اخلاقی، مانند صدقه دادن، رعایت فرهنگ عفاف و حجاب، توجه به الگوهای دینی و باور به ارتباط برقرار کردن با خدا از طریق دعا و نماز، به‌عنوان ارزش‌های انسانی، زمینه تحقق حیات طیبه را فراهم می‌کند (جدول ۳). شهروندی که دارای چنین ویژگی‌هایی باشد، شهروند مطلوب در جمهوری اسلامی شناخته می‌شود. یافته‌های این مطالعه با نتایج پژوهش‌های کیشانی‌فراهانی، فرمهینی‌فراهانی و رهنما (۱۳۹۲)، علم‌الهدی و همکاران (۱۳۹۶) و جهان، زنگنه‌تبار و پاک‌سرشت (۱۳۹۷) هم‌خوانی دارد.

در تحلیل هدف دوم، شهروند اجتماعی مفهوم‌سازی شد. مقوله‌های آن با عناوین منفعت اجتماعی، مشارکت سیاسی-اجتماعی، نقش آفرینی اجتماعی و مباحث تحول اجتماعی معرفی شدند. یافته‌های مطالعه (جدول ۴) نشان می‌دهند، که فرد مطلوب کسی است که منفعت خود را در هم‌گرایی و موفقیت دیگر افراد جامعه و نهادها می‌بیند. همچنین در مقوله مشارکت سیاسی-اجتماعی، تلاش برای بهره‌گیری از فرصت‌ها، تعامل با جهان‌های هم‌مسلك، مشارکت فراگیر و عمومی، تعیین سرنوشت خود و دیگران، و انتخاب آگاهانه و فعال، به‌عنوان نقطه مطلوب شهروندی در این مقوله کلدگذاری شدند.

در مقوله نقش آفرینی مجزای اجتماعی که به‌تناسب جنسیت، مهارت و دانش با جایگاه شغلی، اجتماعی و سیاسی شهروند اشاره دارد، زیر مقوله‌های هویت جنسیتی، تلاش فارغ از دختر یا پسر بودن، و پایبندی به تشکیل خانواده مفهوم‌سازی شدند. این نشان می‌دهد که فرد، ضمن آگاهی از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود، به این باور برسد که ذات و هویت خاص خود را دارد. تلاش‌ها و خواسته‌هایش هم متناسب با این تفاوت‌ها هماهنگ شود.

مقوله تحول اجتماعی که مقوله‌ای اکتشافی است، اشاره به نگرش فردگرایی یا جمع‌گرایی رویکرد سیاسی نظام رسمی جمهوری اسلامی دارد. زیرمقوله‌های آن در جدول ۴ زیر دو شاخص فردمحوری و نهاد محوری کدگذاری شدند. این مفهوم‌سازی بر اساس تحلیل اسناد مورد بررسی نشان از آن دارد که نوعی تضاد در روش شهروندسازی در اسناد وجود دارد؛ هرچند در تعیین هدف نهایی به دنبال یک هدف هستند. بدین گونه که کدهای نگرش فردمحوری و اراده‌گرایی بیشتر در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مطرح می‌شوند، درحالی که کدهای تأکید بر ایجاد فضا، ساختار و نهادهای متناسب با کمیت و کیفیت شهروندان برای جذب و هدایت آن‌ها، در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله دیده می‌شود.

یافته‌های هدف دوم با پژوهش‌های قلتاش (۱۳۹۱)، احمدی و همکاران (۱۳۹۷)، رضوی و همکاران (۱۳۸۹)، امینی، صدیق و قدیمی (۱۳۸۹) هم‌خوانی دارد. همچنین با پژوهش طباطبایی (۱۳۹۷) در بعضی مؤلفه‌ها هم‌خوانی دارد و در بعضی دیگر، مانند نامتعادل بودن و نامناسب بودن مفاهیم سیاسی در کتاب‌های درسی که اصلی‌ترین ابزار فیزیکی انتقال دیدگاه‌های نظام رسمی به دانش‌آموزان هستند، هم‌خوانی ندارد. درحالی که در یافته‌های مطالعه حاضر پرداختن به مفاهیم دگر خواهی و منفعت جمعی، مسئولیت‌پذیری، پابندی، آزادی، عدالت سیاسی و اجتماعی، استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌ها برای تربیت شهروند آینده در اسناد مورد بررسی مورد توجه و تأکید قرار گرفتند، در پژوهش طباطبایی حضور مفهوم آزادی با فراوانی ۵/۸ درصد و مفهوم عدالت سیاسی با فراوانی ۸/۲ درصد، سهم پائینی از مفاهیم بررسی شده در کتاب‌های ابتدایی را به خود اختصاص دادند.

به نظر می‌رسد که اسناد تربیتی تا حدودی کلی و انتزاعی تدوین شده‌اند (هرچند در بخش‌هایی از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تا حدی به اهداف رفتاری نیز توجه می‌شود). برای رفع این مشکل، دخالت دیدگاه‌ها، اظهارنظرها و پیشنهادهای معلمان به‌عنوان نیرویی که به‌طور مستقیم و مستمر با دانش‌آموزان در ارتباط‌اند، در نوشتن و طراحی تصمیم‌ها و دستورالعمل‌ها نیازی ضروری است. همچنین هر سند تربیتی که برای سنین جوان و نوجوان طراحی می‌شود، ضمن حفظ رویکرد دینی و ایدئولوژی حاکم بر کشور، محورهای هنری، زیبانشناختی و شکل‌های داوطلبانه، مانند گروه‌های موسیقی و تئاتر، و انجمن‌های داوطلبانه در آن اسناد دیده شود، تا ضمن ایجاد روحیه شاد و خلاق، پابندی بیشتری به ارزش‌های دینی نشان دهند.

در نهایت گرایش و تشویق پژوهشگران به پژوهش‌های تلفیقی بین محتوای اسناد رسمی و واقعیت‌های میدانی در حوزه تربیت، می‌تواند بین سیاست حاکم بر تربیت و شرایط میدانی متریان هم‌فهمی بیشتری فراهم آورد.

منابع

- احمدی، غلامعلی، عصاره، علیرضا و امینی‌زرین، علیرضا. (۱۳۹۷). تربیت مراحل تعلیم و تربیت سیاسی (گذرگاه سیاست‌پذیری) بر مبنای مراحل رشد شناختی با تأکید بر دوره‌های تحصیلی. دانش سیاسی، ۴(۱)، ۳۳-۶۰.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی-رویه‌ها و شیوه‌ها. (ترجمه بیوک محمدی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (اثر اصلی در سال ۱۹۹۶ چاپ شده است).
- الیوت، آنتونی و برایان، ترنز. (۱۳۹۰). برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی معاصر (ترجمه فرهنگ ارشاد). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، (اثر اصلی در سال ۲۰۰۱ چاپ شده است).
- امینی، محمد، صدیق، فربرز و قدیمی، ملوک. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان. دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار دانشگاه شاهد، ۱۶(۳۶)، ۴۱-۵۴.
- پورطهماسبی، سیاوش و آذر، تاجور. (۱۳۹۰). حقوق و تربیت شهروندی در نهج‌البلاغه. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۴(۲)، ۱-۲۳.
- تیلی، چالز. (۱۳۹۲). دموکراسی. (ترجمه یعقوب احمدی). تهران: نشر آگاه، (اثر اصلی در سال ۲۰۰۷ ترجمه شده است).
- توسلی، غلام‌عباس و نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵(۲)، ۳۲-۶۲.
- جهان، جواد، زنگنه‌تبار، سجاد، و پاک‌سرشت، محمد. (۱۳۹۷). ارائه مدل شایستگی تربیت اسلامی دانش‌آموزان بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی از نظر متخصصان. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۲(۴)، ۱۰۶۶-۱۰۴۸.
- راش، مایکل. (۱۳۹۱). جامعه و سیاست مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: انتشارات سمت، (اثر اصلی در سال ۱۹۹۲ چاپ شده است).
- رضوی، سیدعباس، ملکی، حسین، عباس‌پور، عباس و ابراهیمی‌قوام، صغرا. (۱۳۸۹). بررسی تربیت سیاسی در برنامه‌های درسی رسمی دوره ابتدایی. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۶(۱۸)، ۲۱-۵۸.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و کاظم، منافی. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات یسطرون.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی (آرشیو اسناد راهبردی). <https://sccr.ir/>
- سند چشم‌انداز ۲۰ ساله. (۱۳۹۴). سایت دانشگاه خاتم. www.khatam.ac.ir/www.DOLAT.IR
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.
- طباطبایی، مینو. (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه‌های تربیت سیاسی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶(۴۰)، ۱۱۹-۱۳۶.
- علم‌الهدی، جمیله، رضایی، محبوبه و یاری، بابک. (۱۳۹۶). تأثیر مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان بر تربیت دینی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه. فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۲(۷)، ۹۰-۱۲۰.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۳). آموزش شهروندی در مدارس شهر تهران. آثار و پیامدها، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱(۲۳)، ۲۰۸-۲۳۹.
- فرمینی‌فراهانی، محسن. (۱۳۹۵). الگوی تربیت شهروندی فضیلت‌گرای ارتباطی: الگویی برای تربیت سیاسی و اجتماعی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره جدید، ۳۱(۳۱)، ۶۷-۹۰.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۶). درآمدی بر تحقیق کیفی. (ترجمه هادی جلیلی). تهران: نشر نی. (اثر اصلی در سال ۲۰۰۶ چاپ شده است).
- قلتاش، عباس. (۱۳۹۱). مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲(۱)، ۴۷-۶۴.
- کیشانی‌فراهانی، عزت‌الله و فرمینی‌فراهانی، محسن. (۱۳۹۲). مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی-ایرانی. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۴(۴)، ۵۱-۷۴.

- مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). دانشگاه فرهنگیان. <https://cfu.ac.ir>
- مجلل چوبقلو، محمدعلی. (۱۳۸۷). تحلیل برنامه درسی مقطع ابتدایی نظام آموزش جمهوری اسلامی ایران از بعد تربیت شهروندی. پژوهش‌نامه ترکیبی دانشگاه اسلامی واحد بجنورد، ۹(۱۷)، ۶۷-۹۶.
- هریسون، کوین و بوید، تونی. (۱۳۹۵). فهم اندیشه‌ها و جنبش‌های سیاسی. (ترجمه عباسعلی رهبر). تهران: انتشارات جامعه شناسان، (اثر اصلی در سال ۲۰۰۳ چاپ شده است).
- نش، کیت. (۱۳۹۴). جامعه سیاسی معاصر. (ترجمه محمدتقی دلفروز). تهران: انتشارات کویر، (اثر اصلی در سال ۲۰۰۰ چاپ شده است).
- هیوود، اندرو. (۱۳۹۶). سیاست. (ترجمه عبدالرحمان عالم). تهران: نشر نی، (اثر اصلی در سال ۲۰۰۲ چاپ شده است).
- محمدی، محمد، مزیدی، محمد و بهشتی، سعید. (۱۳۹۶). تحلیل مفهومی مراحل و ابعاد تربیت شهروندی. فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۸(۴)، ۸۳-۱۰۶.
- Dalton, R. J. (2006). *Citizenship norms and political participation in America: The good news is... the bad news is wrong*. Paper prepared for the conference on Citizenship, Involvement and Democracy at the Center for Democracy and the Third Sector, Georgetown University,
- Hoskins, B. L., & Mascherini, M. (2009). Measuring active citizenship through the development of a composite indicator. *Social indicators research*, 90(3), 459-488.
- Kallio, K. P., Mills, S., & Skelton, T. (2016). *Geographies of Children and Young People: Politics, Citizenship, and Rights*. Springer.
- Lee, W. O (1999). *Qualities of citizenship for the new century: perception of Asian educational leaders*. paper presented at the fifth UNESCO-ACEID, international conference on reforming leading curriculum, Bangkok, Thailand.
- Paloma, V., García-Ramírez, M., de la Mata, M., & Association, A. M. A. L. (2010). Acculturative integration, self and citizenship construction: The experience of Amal-Andaluz, a grassroots organization of Moroccan women in Andalusia. *International Journal of Intercultural Relations*, 34(2), 101-113.
- Tan, C. (2007). Islam and citizenship education in Singapore: Challenges and implications. *Education, Citizenship and Social Justice*, 2(1), 23-39.
- Turner, Bryan. (1999). *Citizenship (critical concepts)*. New York: routledge.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|---|
| <ol style="list-style-type: none"> 1. T. H. Marshall 2. Emile Durkheim 3. Jon Dewey 4. Kate Nash 5. Michael Rush 6. Harrison & Boyd 7. Adro Hewood 8. Yorgen Habermas 9. Elliot & Terner | <ol style="list-style-type: none"> 10. Bryan Terner 11. Charls Tilly 12. Kallio, Mills & skelton 13. Dalton 14. Hoskins & Mascherini 15. Paloma 16. Flick 17. Struss & corbin |
|---|---|